

تاریخچه کاپیتولاسیون در ایران و پیامدهای آن (۵)

محمد علی اختری*



* سردفتر اسناد رسمی ۱۲۲ تهران و نایب رئیس کمیسیون وحدت رویه.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تاریخچه کاپیتولاسیون در ایران و پیامدهای آن (۵)

اشاره

در شماره گذشته نگاهی داشتیم به آثار مخرب و منفی کاپیتولاسیون در ایران. آنچه در این شماره از نظر گرامی تان می‌گذرد مطالب و مستندات جدیدی است که در این باره به دست نویسنده رسیده و به روشنگری بیشتری در این زمینه می‌پردازد. از آنجا که روسیه بیش از سایر کشورها در اجرای کاپیتولاسیون در ایران اصرار داشت، لذا ایالات شمالی ایران مانند گیلان، مازندران، آذربایجان و خراسان و حتی قزوین، محل ظهور آثار منفی کاپیتولاسیون بودند. «بازیل نیکیتین» کنسول روسیه در ایران (۱۹۱۲ - ۱۹۰۹) اوضاع شمال ایران را چنین تشریح می‌کند:

وضع اقتصادی ایران که ایالات حاصلخیز و پر عایدات آن در شمال واقع است، پیوسته اقتضاء می‌کرد که محصول ایران از این راه صادر شود که راهی است کم زحمت و تردیدی نیست که اقدامات روسیه هم در بدو امر متوجه گیلان بود که به منزله یک نوع تخته پرش است برای نفوذ و توسعه سیاسی و اقتصادی و به همین دلیل است که می‌بینیم در اواخر قرن اخیر فشار روس از این طرف زیادتر می‌شود و به ساختمان بندر انزلی می‌پردازد و در میان نیزارها و باتلاقها راه شوسه می‌سازد که از کنار سفیدرود به طرف فلات ایران ممتد می‌گردد و بانک استقراضی روس که در مرکز ایران تأسیس یافته، بلافاصله شعبات آن در رشت و انزلی دایر می‌شود و تجارتخانه لیانزوف (Lianzof) امتیاز صید ماهی سواحل بحر خزر را می‌گیرد و «پیر بازار» به رشت متصل می‌شود و وسائل

حمل و نقل و مسافری و مال التجاره به دستگیری شرکت‌های روس به کار می‌افتد، تجار تخانه‌های متعددی که عوامل صادرات و واردات هستند در رشت و انزلی تأسیس و توسعه می‌یابند. کنسولخانه رشت هم چون با این عملیات مواجه است و با کارگران روس سر و کار پیدا می‌کند که در تابستان به ایران می‌آیند و زمستان به قفقاز می‌روند ناچار است عده زیادی کارمند در زیر دست داشته باشد، علاوه بر شخص کنسول یک منشی و یک مترجم اتصالاً مشغول به کار هستند. در دبیرخانه کنسولی هم دو نفر منشی ایرانی و یک نفر رئیس روسی که خزانه‌داری را هم به عهده دارد کار می‌کنند. دو نفر هم به نام تاجر باشی که یکی مسلمان و دیگری ارمنی است در آنجا آمد و شد دارند؛ به علاوه دو نفر اشخاص قابل ملاحظه که طرف توجه عمومی هستند به سمت مستشاری در کنسولخانه کار می‌کنند؛ به علاوه مدیر بندر انزلی هم به سمت نایب کنسول در آنجا فعالیت می‌کند، عمال کنسولی تعدادی هم در نواحی مهم محوطه کنسولی وجود دارند. ۱۵ نفر قزاق هم با یک سر جوخه برای حفظ کنسولخانه به این جمعیت اضافه می‌شوند. یک عده مستخدم ایرانی هم به نام غلامان کنسولخانه در آنجا مشغول دوندگی هستند».

این شرحی است که نیکیتین درباره کنسولگری رشت می‌دهد و افرادی را که مسقیماً زیر نظر کنسولخانه فعالیت دارند معرفی می‌کند. شایان ذکر است که آنچه او اعلام می‌کند ظاهر قضیه است ولی مسلم است عده‌ای هم به عنوان طرفدار و دو نفر روسوفیل و جاسوس کنسولگری را قبله آمال خود قرار می‌دادند که نیکیتین به آنها اشاره نمی‌کند. وی دلیل وجود این همه جمعیت در کنسولگری را چنین بیان می‌کند: «کنسولخانه این جمعیت را برای انجام امور مختلف لازم داشت و به واسطه بقای رژیم کاپیتولاسیون عملیات کنسولخانه منحصر به مسائل اقتصادی و سیاسی نبود بلکه مسائل اداری و قضایی و قراردادها و رسیدگی به اسناد و مدارک هم در کار بود. صرف نظر از وظیفه مهم سیاسی که انجام آن ما را وادار می‌داشت که تقریباً در تمام چرخهای زندگی ایرانی نظارت و مراقبت داشته باشیم، قوه اداری کنسولی نسبت به تمام تبعه روسی به کار می‌رفت، مانند نظارت در صحت و سقم گذرنامه‌ها که قسمت زیادی از اوقات ما را می‌گرفت، دسته‌ای از تبعه روس شغل سورچی‌گری را اختیار کرده و در ایران مشغول

حمل و نقل مال التجاره می‌باشند و گاهی از رشت تا اصفهان هم می‌روند... در رشت تبعه روس با اهالی بومی کاملاً آمیزش داشتند و غالباً در ارتکاب اعمال خلاف قانون و تقلبات خود از زیر نظر مأمورین دولتی فرار می‌کردند؛ نه فقط در رشت بلکه در قصبات و قراء هم نظیر این وقایع روی می‌داد؛ خصوصاً نسبت به آبیاری که در خاور یکی از مسائل بسیار دقیقی است که مأمورین ما دخالت می‌کردند و مجبور بودیم غلامان و مستخدمین جزء کنسولگری را مأموریت بدهیم که به محل وقوع حوادث رفته، رسیدگی نمایند و نتیجه را اطلاع دهند. این مأمورین، مستخدمین ایرانی ما بودند که نشان عقاب نقره دولت روس را بر کلاه و لباسی که دارای یراقهای نقره بود بر تن داشتند. غالب این مأموریتها به حاج ابراهیم غلامباشی داده می‌شد این حاجی ایرانی چون می‌توانست غذای «راگو» را به خوبی بپزد به «حاجی غلام راگو» معروف بود. این شخص به علت اطلاعاتی که داشت به منزله مجموعه قوانین قضایی بود و بسیاری از مسائل اداری را که مربوط به مرافعه و محاکمه روستاییان هست به خوبی حل می‌کرد»^۱.

«مداخلات کنسولخانه به انواع مختلف صورت می‌گرفت آنها نه فقط باید در امور تبعه روس که بواسطه وجود رژیم کاپیتولاسیون از وظایف مسلم ما به شمار می‌رفت مداخله می‌کردند بلکه می‌بایستی در کار رعایای ایران هم که تحت الحمایه دولت روس بودند مداخله کنند. از طرفی تبعه مسلمان روس اغلب با زنان ایرانی ازدواج کرده بودند در چنین مواردی قانونی در کار نبود و بنا به عادات و رسوم کنسولگری نمی‌توانست بی طرف بماند و ناچار مداخلاتی می‌کرد که یک نوع تحت الحمایه بودن هم توسط مشتریان بانک روس به وجود آمده بود و کنسول می‌بایستی از صاحبان املاکی که در وثیقه بانک روس بود حمایت نماید که مبادا خسارتی متوجه مالک شود. به علاوه کنسول مجبور بود که به امور راه شوسه انزلی به تهران و تصادفاتی که در آن روی می‌دهد نظارت و مراقبت داشته باشد. خواننده می‌تواند از این مقدمات به سهولت دریابد که قدرت و نفوذ اداری کنسول در تحت رژیم کاپیتولاسیون تا چه اندازه بود و...»

۱. بازل نیکیتین، ایرانی که من شناختم، ترجمه فرهوشی، چاپ شرکت معرفت، تهران، ۱۳۲۹، صص ۸۵ تا ۸۹.

می‌توان گفت که این قدرت تقریباً قائم مقام حکومت ایران شده بود. عده زیادی از زنان و مردان همه روزه صبح در قنسولخانه ازدحام کرده و منتظر بودند تا شکایات خود را به قنصل تسلیم نمایند. این جمعیت را عریضه چی می‌گفتند.^۱ کنصل روس در خصوص علت وجودی کاپیتولاسیون چنین می‌نگارد:

«در ایران هیچ نوع قانون برای تجارت و مبادلات اسناد و اوراق وجود نداشت و مدارکی که برای استدلال ارائه می‌دادند نظر به فقدان محاضر رسمی و قانونی به خط یک نفر آخوند یا ملا تنظیم شده بود و قباله‌های عادی املاک به واسطه نبودن اداره ثبت رسمی و اداره ممیزی قانونی اعتباری نداشت و غالباً معارض پیدامی‌کرد... از اینها گذشته هیچ گاه صحت مدرکی به امضای شخص مربوط نبود بلکه به مهرهایی بود که در ورقه نقش بسته بود و تقلید آنها به سهولت امکان داشت. فراموش نمی‌کنم که در موقع محاکمه‌ای مدعی کیسه‌ای پر از مهر به من نشان داد که در آن هر قسم مهری وجود داشت. مهر مظفرالدین شاه هم در آن میان دیده می‌شد.»^۲

یکی دیگر از آثار مخرب کاپیتولاسیون تشکیل سپاه قزاق بود که توسط روسیه در ایران تشکیل شده بود و از نظر سیاسی و دیپلماسی دستورات لازم را از کنصل روس می‌گرفت و فرماندهان قزاقهای ایران مستقیماً از سنت پترزبورگ تعیین می‌شدند و حقوق خود را هم بر طبق دستورات سفارت روسیه از بانک استقراضی روس دریافت می‌کردند و فرمانده قزاقها هم فقط از شاه اطاعت می‌کرد و مطیع وزیر جنگ ایران و یا سایر مقامات دولت نبود. کلیه افسران روس علاوه بر مواجهی که از روس می‌گرفتند حقوقی هم از شاه ایران می‌گرفتند.^۳ دخالت این افسران در براندازی حکومت مشروطه و ایجاد استبداد صغیر از آنجا ثابت شد که لیاخوف، فرمانده قزاقان در تهران نامه‌هایی از رشت به وزارت متبوعه در روسیه نوشت و این نامه‌ها توسط افسری بلغاری به نام پانوو PANOV استخراج شده و توسط ادوارد براون مستشرق انگلیسی در جزوه‌ای تحت

۱. همان منبع، صص ۹۰ تا ۹۳.

۲. همان منبع، ص ۹۵.

۳. سرهنگ یحیی شهیدی، بررسی چند واقعه تاریخی بریگاد قزاق و اثر وجودی آن در سیاست زمان قاجار، چ مؤلف، صص ۵۷ تا ۶۳.

عنوان) For private circulation only: The responsibility for the (russian government for the chaos now existing in persia) برای عده اندکی ارسال شده است. متن این نامه‌ها با متن نامه‌های بعدی لیاخوف که طی مشاجرات قلمی با بعضی از نشریات روسی درباره حق قضاوت کنسولی (کاپیتولاسیون) قزاق‌هایش در هنگام تسخیر تهران توسط گروه‌های انقلابی به آنها نوشته بود تطبیق می‌کند.^۱ به طوری که در یادداشتهای «بازیل نیکیتین» دیدیم، کنسولگری روس در رشت قائم مقام حکومت ایران بوده است و این نتیجه آثار قضاوت کنسولی یا کاپیتولاسیون است. نگاهی به متن سه برگ قبض مالیاتی که توسط مأموران کنسولی روسیه از رعایای ایرانی گرفته شده است، میزان دخالت دولت روسیه را در امور داخلی ایران به روشنی نشان می‌دهد:

قبض نمرة ۱۲ از طرف قنسولگری امپراتوری روس در گیلان داده می‌شود به آقای حاج محسن شیروانی در اخذ مبلغ سی و چهار تومان و چهار قران مالیات بابت ملک گیلوا رشت در روز ۱۷ ماه دکابر سال ۱۹۱۴ امضاء نایب قنسولگری. (تصویر ۱)

قبض نمرة ۱۴ از طرف قنسولگری امپراتوری روس در گیلان به آقای حاج محسن شیروانی در اخذ مبلغ یکصد و هفت تومان و هفت قران و نهصد دینار مالیات از بابت ملک پاچه کنار لواسطل حسن آباد و مستغلات دار بابت سنه ماضیه ۱۹۱۳ داده می‌شود. (تصویر ۲) ۱۹۱۳ رشت روز ۱۷ ماه دکابر سال ۱۹۱۴ نایب قنسولگری.

قبض نمرة ۶۱ از طرف قنسولگری امپراتوری روس در گیلان به آقای حاج محسن شیروانی داده می‌شود در اخذ مبلغ ۵۰ تومان مالیات از بابت هذاه السنه املاک رشت علی الحساب رشت. روز ۷ ماه مای سال ۱۹۱۵. (تصویر ۳)^۲

دیگر از موارد بارز دخالت روسها در امور داخلی ایران به استثنای قرارداد ننگین کاپیتولاسیون، موضوع اجحافات تاجرباشی قزوین است بدین شرح که حاج محمد حسن بادکوبه‌ای مشهور به تاجرباشی یکی از تجار معروف شهرستان قزوین در زمان

۱. همانجا، صص ۶۹ تا ۷۱.

۲. همانجا، صص ۱۱۴ تا ۱۲۲، مأخذ روزنامه اطلاعات، سه شنبه ۱۳۵۴/۹/۱۱.

ناصرالدین شاه و مورد اعتماد روسها بود و به عنوان نماینده تزار روس در قزوین از روسهای مقیم قزوین حمایت می‌کرد و هر اقدام قانونی که به ضرر یکی از اتباع روسیه بود، توهین به امپراتور روس قلمداد کرده و مانع اجرای آن می‌گردید و جسارت او تا حدی بود که سعد الدوله حاکم قزوین هم از او حساب می‌برد. خوشبختانه اعمال بی‌رویه این شخص سبب شد حاکم وقت قزوین برای رفع یکی از اجحافات او وارد عمل شود. دخالت حاکم سبب ناراحتی نماینده ایرانی دولت روس شد و برخورد توهین‌آمیزی از نامبرده نسبت به حاکم قزوین سر زد. تاجرباشی به صورت تلگرافی موضوع را به کنسولگری روس در تهران گزارش نمود و سعد السلطنه هم به دربار شکایت کرد. رسیدگی به این واقعه به طور محرمانه به یکی از روحانیان مورد اعتماد قزوین مشهور به حاج ملا آقا محول شد. ملا آقا با سیاستی مدبرانه و مهارتی بسزا حقیقت امر را از دهان هر دو شنیده و با قضاوت صحیح، تاجرباشی را مقصر اعلام کرد و در نتیجه تاجرباشی مورد توبیخ قرار گرفت و معزول شد.^۱ در این مورد دکتر ورجاوند در کتاب خود می‌نویسد:

«زمانی میان حاج محمد حسن بادکوبه‌ای (تاجرباشی روس) با سعد السلطنه (حکمران قزوین) اختلافی بروز کرد که ناچار از تهران برای رسیدگی به ماجرا بازرس فرستاده شد. بازرس مزبور نظر حاج ملا آقا را به عنوان گواه می‌پرسد و او به نفع سعد السلطنه رأی می‌دهد تاجرباشی از ملا آقا گلابه می‌کند که شما چرا برخلاف حق گواهی دادی. حاجی ملا آقا پاسخ می‌دهد این اختلاف میان شما و حکمران نبوده بلکه میان روس و ایران بود و من وظیفه داشتم تا جانب ایران را بگیرم نه روس را».^۲

درخصوص دخالت‌های ناویرای قزاق‌های روس در حوادث ایران که به موجب قرارداد کاپیتولاسیون برای خود قائل بودند، مورگان شوستر آمریکایی خزانه‌دار کل مالیه ایران در روزنامه تایمز لندن TIMES در ۲۱ اکتبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۷ شوال ۱۳۲۶ هجری قمری برخی از جنایات روسها را به قلم آورده است. از جمله می‌نویسند:

«در تاریخ ۲۴ ژوئیه، ۲۶ رجب دولت ایران مراسله‌ای مشعر بر اعلام قانون نظامی

۱. همانجا، صص ۱۴۲ تا ۱۴۶.

۲. دکتر پرویز ورجاوند، سیمای تاریخ و فرهنگ قزوین، انتشارات نی، ج ۴، ص ۱۱۰۱، ۱۳۷۷.

(حکومت نظامی) به عموم سفارتخانه‌ها اعلام داشت اغلب از سفارتخانه‌ها به ترتیب معمول جواب نوشته و فقط خاطر اولیای دولت را به بعضی از مواد عهدنامه ترکمانچای جلب نمودند ولی سفارت روس از همان اول یک مسئله دیگر مخاصمت‌آمیزی را ابراز و در ضمن بعضی ایرادات دعوی نمود که دولت روس حق دارد در هر وقت که بخواهد بعضی از رعایای غیر قانونی خود را در حوادثی که فعلاً در شرف وقوع است شرکت نمایند مستقیماً دستگیر نماید و در مراسم مزبور معلوم بود چه اشخاصی را در نظر دارند. مقصود اصلی دعوی مزبور در این موقع این بود که دستاویزی به سفارت روس و کنسول‌هایشان در تمام ایران بدهند که به محض نسبت به تبعیت روس هر ایرانی جنگجوی مشهوری را که به مساعدت دولت بر ضد محمد علی شاه قیام نماید دستگیر نمایند. کنسول روس در رشت از این هم تجاوز کرده و به دولت ایران اعلام نمود که لازم است هر کس را که تصور تبعیت روس در حق او می‌رود دستگیر و در هر فرصت تحقیق کرده و تا آخر مدت این اغتشاشات نگاه بدارد.^۱

حتی کنسول روس در اصفهان صریحاً در صدد جلوگیری از فعالیت مشروطه خواهان می‌شود و نیز رشید الملک تبعه ایران، حاکم سابق اردبیل که عامداً از جلوی عده قلیلی شاهسون طرفدار محمد علی شاه فرار کرده بود و به اتهام خیانت دستگیر و در تبریز زندانی بود در ۲۷ ژوئیه ۱۹۱۰ کنسول ژنرال روسی در تبریز از نایب الایاله حکومتی او را مطالبه نمود و بعد از آن که جواب رد به او داده شد سیصد نفر سرباز مسلح روس را به دارالایاله فرستاده مستحفظین ایرانی را زده و رشید الملک را از زندان خلاصی دادند.^۲ شجاع نظام مرندی نیز به واسطه خیانت دستگیر و زندانی شده بود مأمورین روس به بهانه اینکه شجاع نظام در شرکت راه جلفا به تبریز استخدام است او را از زندان آزاد و تحت حمایت قرار دادند در ۳۱ ژوئیه (۵ شعبان) وکیل کنسولگری روسیه در انزلی چند نفر را به عنوان فراری بودن دستگیر و زندانی کرده و کنسول رشت هم قزاق روس را به اداره نظمیه (شهربانی) فرستاد. یک تبعه ایرانی را که توقیف بود به عذر این که چراغچی

۱. مورگان شوستر آمریکایی، اختناق ایران، چ بمبئی، ص ۲۸۰، ۱۳۱۰ قمری.

۲. همانجا، ص ۲۸۲.

قزاقخانه است مستخلص کرد.^۱ سفارت و قنصلگری روسیه نه فقط دعوی حق مطلق نسبت به تمامی رعایای قانونی و غیرقانونی روسیه در تمام ایران می‌کنند بلکه نسبت به یک طبقه دیگر از مردم خصوصاً ارتجاعیون و خائنین معروف که تبعه مسلم ایرانند دعوی حق حمایت داشته و نمی‌گذارد خفیف‌ترین اقدام از طرف دولت ایران نسبت به آنها بشود مانند شاهزاده خانم بانو عظمی اصفهانی یا کامران میرزای معروف عموی شاه مخلوع.^۲

دکتر ورجاوند در بخش دیگری از کتاب، ماجرای کارگزاری را مورد بحث قرار داده، می‌نویسد:

«در هر شهری که روسها و عثمانیها قنصل داشتند و افرادی به نام تبعه این دولتها در آنجا به کار تجارت و دیگر فعالیتها می‌پرداختند، در صورت پیدا کردن اختلاف با ایرانیان و مسئولان ایران و انجام هر جرمی، رسیدگی به آن به عهده کارگزاری بود و شخص قنصل یا نماینده آن در حمایت از آن تبعه وارد ماجرا می‌شده است. اگر کارگزاری با پا درمیانی نمی‌توانست ماجرا را فیصله بدهد در آن صورت محکمه مأمور رسیدگی - خارج از حوزه عمل عدلیه - در چارچوب وزارت خارجه و کارگزاری به موضوع رسیدگی می‌کرد و وجود قرارداد تحمیلی کاپیتولاسیون در ایران سبب گردید جان و مال ناموس مردم به راحتی مورد تجاوز اتباع روس قرار گیرد و حتی در صورت قتل یک ایرانی کسی جرأت دستگیری قاتل را نیز نداشته باشد.»^۳

به عقیده مؤلف کتاب سیمای تاریخ و فرهنگ قزوین، کارگزاریها علاوه بر رسیدگی به دعاوی اتباع روسی و عثمانی، مسئولیت رسیدگی بر کار اقلیتهای مذهبی بویژه ارمنیان را بر عهده داشتند و ناصرالدین شاه تا زنده بود کارگزاریها چنان که باید فعال نبودند و فعالیت آنها در اواخر قاجاریه، بویژه در زمان سلطنت احمد شاه قاجار به نهایت شدت خود می‌رسید و اینک شرح چندین ماجرا از این تجاوزها که عیناً از کتاب سیمای تاریخ و فرهنگ قزوین آورده می‌شود که برای اختصار فقط خلاصه وقایع و اسناد در اینجا

۱. همانجا، ص ۲۸۶.

۲. همانجا، ص ۲۸۸.

۳. سیمای تاریخ و فرهنگ قزوین، ج ۴، صص ۱۸۲۵ و ۱۸۲۶.

ذکر می‌شود:

- ۱- زمانی که دولت ایران تصمیم گرفت داراییهای سالار الدوله و شعاع السلطنه را به علت عدم پرداخت مالیات مصادره کند؛ قنصل روس به بهانه حمایت از مشتریان بانک استقراضی روس مانع این کار شد و به دولت ایران اولتیماتوم داده شد که باید در این مورد از دولت روس پوزش بخواهد و الا روابط فی مابین دولتین قطع خواهد شد ولی این اولتیماتوم از طرف مجلس شورای ملی رد شد و در نتیجه روسها از رشت به طرف قزوین حرکت کرده وارد شهر قزوین شدند. (۱۳۲۹ ه. ق)
- ۲- عده‌ای از مردم قزوین را قنصلگری روس در سفارت خود به عنوان تحصن جا می‌دهد که به بهانه حمایت آنها با حکومت ملی مشروطه مبارزه کند.
- ۳- در واقعه دزدیده شدن گاری حامل محموله‌های پستی، قنصل روس تهدید می‌کند که عده‌ای قزاق را در سر راهها خواهد گماشت تا امنیت راهها برقرار شود.
- ۴- گرفتن اجناس مردم توسط سالداتهای روس و کمک کردن آنها.
- ۵- دست درازی یکی از سربازان روس نسبت به یک زن ایرانی و پاره کردن نقاب او.
- ۶- حمله سالداتهای روس به منزل مجتهد زاده در خارج از شهر و پاره کردن عباى او.
- ۷- جسارت دو نفر سالدات روس به یک نفر زن ایرانی و ممانعت آنها از طرف شخصی به نام محمد باقر شاهرودی و مضروب کردن او توسط سالداتها و شکایت شخص مضروب به کارگزاری قنصلگری و عدم رسیدگی آنها به موضوع.
- ۸- اخذ مالیات از ایرانیان در شهر تبریز و قزوین توسط قنصلهای روس.
- ۹- اعلان قنصلگری روس در قزوین و تهدید مردم که مبادا با انقلابیون مشروطه همراهی کنند.^۱
- ۱۰- حمایت قنصل روسیه از ارامنه‌ای که تحت حمایت روسیه بودند یا از اتباع آنها قلمداد می‌شدند.^۲
- ۱۱- درگیری حاج عباسقلی، تاجر باشی روس با دو شریک در قزوین و حمایت

۲. همانجا، ج ۲، صص ۱۱۶۶ تا ۱۱۷۰.

۱. همانجا، ج اول، صص ۵۱۷ تا ۵۳۳.

قنصل از تاجرباشی.

۱۲ - تجاوز سالداتهای روس به مال و منال مردم و اعزام چند نفر قزاق به درب کاروانسرا و حجره سیف السادات شریک تاجرباشی و به زور بردن اسبهای او.

۱۳ - درگیری کارگزاری قزوین با تاجرباشی روس در رشت به نام رستم تاجرباشی و این که تاجرباشی با وجود این که کارگزاری موضوع را به رضایت دو طرف خاتمه داده ولی تاجرباشی به بهانه این که در جلسه رسیدگی نمایندگی قنصل روس حضور نداشته از اجرای توافق نامه خودداری می کند و حمایت قنصل روس در رشت از او.

۱۴ - کشته شدن یک نفر زن ایرانی به دست یک نفر روس و عدم تعقیب قاتل توسط قنصل.

۱۵ - کسانی که خود را زیر چتر قنصلگری روس قرار می دادند از پرداخت حق مردم خودداری می کردند.

۱۶ - حمایت قنصل روس از شجاع لشکر که به قنصلگری متحصن شده بود. در خاتمه این بحث باید متذکر شد پس از لغو کاپیتولاسیون اولین نفری که در قزوین به مجازات رسید شخصی روسی به نام کریشا بود که به اتهام قتل یک نفر یونانی و زنش در عدلیه محاکمه و به اعدام محکوم شد. وی در ۱۳۰۸/۹/۲۸ مرتکب قتل شده و در ۱۳۰۸/۱۲/۱۳ در قزوین مصلوب شده است. در خصوص رسیدگی قضایی به حوادث حقوقی یا کیفری معمولاً دادگاه از عوامل ایرانی تشکیل می شد؛ البته با حضور مأمور کنسولگری و یک نفر نماینده از وزارت امور خارجه ایران به نام کارگزار در هر شهری که کنسولگری وجود داشت. کارگزار هم از طرف دولت معین شده بود. اما در رسیدگی معمولاً نمایندگان کنسولگری یا خود کنسول و یا کارگزار سلیقه شخصی خود را به کار می بردند و تازه پس از صدور حکم، اجرای حکم محل مناقشه بود که اگر مقصر تبعه کشوری بود که کنسولش در محاکمه حضور داشت او را برای اجرای حکم به کشور متبوعش می فرستادند و اگر مقصر ایرانی بود به دست مأمورین ایرانی می دادند. در اغلب مرافعات تجاری شخص تاجرباشی دولت خارجی مربوطه هم حضور داشت و حکام ایرانی هم موافق سلیقه و عقیده استبدادی خود عمل می کردند. این نوع کاپیتولاسیون مخصوص ایران

بود؛ مثلاً در کشور مصر دادگاه مختلط بود مرکب از تعدادی قاضی مصری و تعدادی قاضی از کشور خارجی و در چین تمام قضات از کشور خارجی بودند و اصلاً عنصر چینی را در محاکمه دخالت نمی دادند.^۱

«بازیل نیکیتین» معروف که قسمتی از یادداشتهای او قبلاً نقل شد؛ می نویسد:
 «لازم می دانم به طور خلاصه راجع به تحریرات هم اشاره بکنم. امور انشایی چندان اشکالی نداشت و عبارت بود از تنظیم وکالت نامه ها و تطبیق اسناد اشخاص و ترجمه پاره ای از اسناد و مدارک روسی به فارسی یا بالعکس...»^۲
 زیرا به طوری که قبلاً اشاره کردم در ایران اسناد ملکی اعتبار درستی نداشت مخصوصاً در نواحی دور افتاده که وضع ملوک الطوایفی داشت.^۳ یکی دیگر از زیانهای رژیم کاپیتولاسیون این بود که در اثر سیستم حکومتی استبدادی در ایران، رسم سرسپردگی رجال کشور به قدرتهای خارجی ابعاد تازه و گسترده ای پیدا کرد. هم سفارتخانه های خارجی یعنی روس، انگلیس، آلمان، عثمانی و هم ارتش و یا عوامل آنها که در ایران فعال مایشاء بودند به وسیله رجال کشور در امور داخلی ایران مداخله می کردند؛ رجال کشور هم از نظر ایمنی و کسب قدرت سیاسی و اقتصادی به سفارتخانه ها متوسل می شدند و حتی با اغراق در ارتباط با عامل خارجی و پراکندن شایعه، گاهی از اخبار پشت پرده سیاسی برای خود کسب موقعیت کرده و رقیبان خود را از صحنه بیرون می کردند.^۴
 حتی دو قریه قلهک و زرگنده شمیران به علت وجود رژیم کاپیتولاسیون از طرف ناصرالدین شاه قاجار به دولتهای انگلستان و روسیه واگذار شده بود و کدخدای آنها از طرف سفارت های دول مرقوم انتخاب می شدند و کلیه رعایای آن دو قریه تحت حمایت آنها بودند و حتی اسناد خرید و فروش املاک در کنسولگری تنظیم می شد و در برخی از موارد مجرمین و مقصرین خود به سفارت های خارجی و یا دو قریه قلهک و زرگنده پناهنده

۱. محمد تقی علویان، قوانین؛ کاپیتولاسیون گناهی که هویدا به آن اعتراف کرد، تهران، ۱۳۵۸.

۲. ایرانی که من شناختم، ص ۹۶. ۳. همانجا، ص ۱۰۳.

۴. پرواند آبراهامیان و دیگران، جستارهای درباره تئوری توطئه در ایران، ترجمه محمد ابراهیم فتاحی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۲.

شده و خود را تحت حمایت خارجی‌ها قرار می‌دادند و از مجازات مقرر فرار می‌کردند. در خاتمه این بحث بار دیگر آثار گوناگون کاپیتولاسیون را فهرست‌وار ذکر می‌نماییم:

۱- علاوه بر آثار زیانباری که قبلاً ذکر شد؛ انگلیسیها افزون بر اتباع انگلیسی مقیم ایران و افراد ایرانی تحت الحمایه خود، افراد مستعمره خود را به بهانه این که تابع انگلیس هستند از این مزایا برخوردار می‌کردند؛ از جمله هندیهای مقیم ایران را از مزایای کاپیتولاسیون برخوردار می‌کردند.^۱

۲- دخالت مقامات دولت روسیه تزاری در شمال کشور از جمله استرآباد و گیلان، مثلاً در روز چهارم محرم ۱۳۳۰ ه. ق روسها به خانه مشهدی محمد زرگرباشی و اسماعیل شیشه‌بر رفته و آنها را دستگیر و بازداشت می‌کنند. سید عبدالوهاب مجتهد معروف و یوسف خان معاون شهرداری و سلیم خان رئیس امنیه و فتح الله خان کلانتر را که از مأمورین دولت ایران بودند دستگیر کرده بودند. عدلیه وقت را تصرف و تخلیه کرده و آزادی خواهان را دستگیر می‌کردند. کارگزاران کنسول روس در استرآباد املاک مزروعی می‌خریدند و یا اجاره می‌کردند و جنگلهای منطقه را تصرف می‌کردند و به تحریک سیاسی مردم می‌پرداختند و یا دست به سرقت می‌زدند.^۲

انگلیسیها در جنوب افراد خفیه نویس گماشته بودند که مرتب گزارشهایی تهیه کرده و به مقامات انگلیسی می‌دادند و نیز نیروی انتظامی به نام پلیس جنوب تشکیل داده و در عزل و نصب مأموران و مسؤولان مستقیماً دخالت می‌کردند.

۳- پناهنده شدن حاج فرهاد میرزا معتمدالدوله عموی ناصرالدین شاه به انگلیس.

۴- پناهنده شدن عباس میرزا ملک آرا، برادر ناصرالدین شاه، به سفارت انگلیس و

حمایت علنی انگلیس از آنان و سایر شاهزاده‌های قاجار.

۵- حمایت انگلیسیها از شیخ خزعل که صریحاً دولت انگلیس اعلام می‌کند «شیخ

خزعل تحت حمایت ماست و در زمان جنگ به او سند داده‌ایم و از او حمایت کنیم».^۳

۶- حتی در همین تهران قصابانی بودند که تحت الحمایه دولت انگلستان به شمار

۱. دکتر محمد علی چلونگر، کاپیتولاسیون در تاریخ ایران، تهران، نشر مرکز چاپ، ۱۳۸۲، ص ۱۶۰.

۲. همان، ص ۱۶۶. ۳. همانجا، صص ۱۷۹ و ۱۸۰.

می‌رفتند و نرخ گوشتها را بی‌رضایت و موافقت سفارت انگلستان نمی‌توانستند تعیین کنند.^۱

۷- اقلیتهای مذهبی ایران زرتشتی، یهودی، ارمنی، بهایی از سفارت یا کنسولگری بریتانیا تقاضای حمایت می‌کردند و دولت انگلیس که مدعی حمایت از وجدان جهانی بود با وجود عواقب آن در مورد اتباع ایرانی دخالت می‌کرد.^۲

۸- صنایع الدوله از رجال دولت ایران به دست دو تن اتباع گرجی در سال ۱۹۱۰ به قتل رسید ولی قاتلان را سفارت روس تحویل گرفته و به روسیه اعزام کرد.^۳

۹- کلیمیه‌ها که بدون اجازه در برخی از اماکن باستانی حفاری می‌کردند خود را تحت حمایت مستر چرچیل منشی و مترجم شرقی سفارت انگلیس قرار داده بودند و ظاهراً قسمت عمده از کشفیات خود را قبلاً به خارج حمل کرده بودند و در سرقتی که از کتابخانه سلطنتی انجام شد، تعدادی از کتب نفیس به سرقت رفته بود که بعد از تحقیق مشخص شد افراد وابسته به سفارتخانه‌های بیگانه در ایران در این عمل دست داشتند.^۴

در پایان باید گفت که تمام این بدبختیها بدون این که دول برخوردار از حق کاپیتولاسیون را از تقصیر مبرا بدانیم نتیجه حکومت استبدادی و عدم وجود قوانین ثابت و نظم حقوقی و عدم وجود امنیت شغلی و مالی و اجتماعی برای مردم بود و هر موقع که مردم احساس امنیت جانی و مالی و عقیدتی نداشته باشند باید انتظار چنین نتایجی را هم داشت و تمام تقصیرها را نباید به گردن بیگانگان انداخت و بی‌کفایتی و عدم آشنایی مصادر امور را در اداره کشور طبق اصول حکومت آزادی و مردم‌سالاری نادیده گرفت؛ اصولی که مورد تأیید عقلای جهان است و از واجبات دینی ماست.

در خاتمه توجه خوانندگان عزیز را به متن شکایتی جلب می‌کنیم که شخصی به نام آقا تنکل اوغلی تبعه عثمانی در قزوین به پادشاه ایران نوشته است:

۱. همانجا، ص ۱۸۲، به نقل از سعید نفیسی، تاریخ معاصر ایران از کودتا...، ص ۱۴.

۲. همانجا، ص ۱۸۶، نه نقل از رایت، کشف انگلیس در ایران، ص ۶۷.

۳. همانجا، ص ۱۹۰.

۴. همانجا، صص ۲۰۱ و ۲۰۰ به نقل از عبدالله بهرامی، خاطرات، صص ۲۸۹ تا ۲۹۴.

عریضهٔ جان نثار آقا تنکل اوغلی تبعه عثمانی در شهرستان قزوین:

«قربانت شوم، چند روز است به واسطه بی‌عدالتی تاجرباشی، تبعه روس،^۱ یک باب عمارت واقع در قزوین، ملکی مقصورهٔ جان نثار مصالحه به ناپسری چاکر بوده، در گرو هفتاد تومان قرض «برویج روس»^۲ می‌رود. تفصیلش این که همین وجه ضرور عیال چاکر بود، رفته از مشارالیه قرض کرده او شنیده بود در ایران بعضی املاک را به بیع شرط به ملکیت می‌توان آورد، به همین قسم زورآور شده، به قوت تاجرباشی همین عمارت را گرو گذاشتند که وعده منقضی شده یا نشده عمارت را متصرف شود، حالا وعده سر نشده حکم به تخلیه می‌نماید و حال آن که علمای ایران نوشته‌اند که مال غیر، مرهون نمی‌شود، بنده هم مستعدم طلب او را بدهم. حتی چهل تومان حاضر است که قبل از انقضای این چند یوم باقی مانده مدت تمسک پول به ارباب طلب برسد. باقی را هم در قلیل زمانی از طلبهای خودم جمع کرده بدهم که ابداً خللی به طلب او نرسد. این قضیه را در وزارت عدلیه تظلم کردم، حکم نوشته شد در قزوین به عهدهٔ شاهزاده کامران میرزا رئیس امور خارجه و آقا سید جمال مجتهد که عمل ما را شرعاً تمام کند. بعد از آن فرمودند حکم وزارت عدلیه فعلاً صحیح نیست باید این حکم از وزارت جلیله خارجه صادر شود، به حکم او در قزوین معمول دارند، مستدعی است به موجب فتوای علمای اسلام که داده‌اند و به نظر مبارک می‌رسد حکم بفرمایید، شاهزاده کامران را و سید جمال مجتهد در قزوین کار ما را تمام کنند که دیگر تاجرباشی به ما ظلم و جور نکند، امر، امر مبارک است.»

اینک تصویر ۴ قبض مالیاتی که روسها از حاج محسن شیروانی، یکی از تجار شهرستان رشت، دریافت کرده و رسید داده اند چاپ می‌شود.

مطلبی که در پائین رسیده‌ها نوشته شده مشخص می‌کند که آنها را به دو زبان فارسی و روسی در یک برگ کاغذ و در دو طرف آن می‌نوشتند تا جدا از هم نبوده و برای مأمورین ایرانی و روسی هم قابل استفاده باشد:^۳

۱. حاج محمد حسن بادکوبه‌ای مشهور به تاجرباشی.

۲. نام فرد روسی که قرض داده است.

۳. مأخذ: روزنامه اطلاعات سه‌شنبه ۱۳۵۴/۹/۱۱